



### مقدمه

بعد از آزادسازی شهرهای منبج و جرابلس از کنترل داعش، و شرق حلب از نیروهای معارضه، رقابت برای بازپس‌گیری شهر الباب توسط نیروهای کرد، نیروهای ارتش آزاد سوریه با حمایت نظامی ترکیه و دولت مرکزی دمشق به نقطه اوج خود رسیده است. ارتش ترکیه از سپتامبر ۲۰۱۶ و در راستای تداوم عملیات سپر فرات حملات خود را در دروازه‌های شمالی شهر الباب بر علیه داعش شروع کرده است. نیروهای ارتش سوریه در ۱۰ کیلومتری جنوب الباب مستقر هستند و یگانهای مدافع خلق کردستان سوریه در نزدیکی مرزهای شرقی و غربی شهر الباب با درنظر گرفتن پیشروی‌های ارتش آزاد در نقاطی که احتمال درگیری مستقیم بین نیروهای کرد و ترکیه وجود دارد، با احتیاط به سمت شهر حرکت می‌کنند.

طی هفته‌های گذشته مقامات ترکیه بارها از شروع گام بعدی عملیات سپر فرات در ورود به شهر الباب سخن گفته‌اند، مسئله‌ای که خوشایند هیچ یک از بازیگران داخل در میدان سوریه از کردها و دولت اسد گرفته تا آمریکا و روسیه نیست. اما ترکیه

طی مذاکراتی که با روسیه در رابطه با تحولات جاری حلب داشته است، بنظر می‌رسد که نظر روس‌ها را نسبت به نگرانی‌های امنیتی خود در تحولات آینده سوریه نزدیک کرده‌اند. اما همه ماجرا به تسلط بر شهر الباب ختم نمی‌شود و ترک‌ها مکرراً از وجود گام یا هدف بعدی در کنترل الباب سیگنال‌هایی مبنی بر پیشروی به سمت منبج و الرقه و بطور کلی سرزمین‌های شرق فرات می‌فرستند. اما ترکیه در طراحی این اهداف و گام‌های میدانی از الباب تا الرقه بدنبال چیست؟ چه راهبردهایی برای بازی ترکیه در میدان شمال و شمال شرق سوریه متصور است؟ چالش امنیتی پیشروی کردها در مرزهای جنوبی ترکیه تا چه میزان رفتارهای میدانی این کشور در سوریه را تعیین می‌کند؟

### اهمیت راهبردی الباب

با آغاز درگیری‌های داخلی در سوریه در سال ۲۰۱۱، شهر الباب با ۱۰۰ هزار نفر جمعیت از آسیب‌های مخرب جنگ داخلی به نحوی مصون مانده بود که همین امر این شهر را به مقصد پناهجویان سایر نقاط استان حلب تبدیل کرد. اکثریت جمعیت حاضر در

کیف پیشروی نیروهای کردی و ارتش آزاد در مرزهای شهر الباب تاثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، ترکیه برای استقرار یک نیروی شبه نظامی تحت کنترل خود در الباب، در حال خارج کردن نیروهای معارضة از دمشق، حمص، حلب و تجمیع و تجهیز آنها در مرزهای شمالی الباب است. فارغ از اینکه تحركات نظامی ترکیه در شرق سوریه با چراغ سبز آمریکا و روسیه بوده است یا خیر، اما ترکیه کنترل شهر الباب را به عنوان یک مسئله کلیدی برای حضور در آینده تحولات سیاسی و میدانی سوریه و همچنین خنثی ساختن مهمترین چالش امنیت ملی خود یعنی برآمدن استراتژیک کردهای سوریه در مرزهای جنوبی ترکیه در نظر گرفته است.

### بنام الباب به سوی تل ابیض و الرقه

بدنبال پیروزی کردهای پی.وای.دی بر علیه داعش در نبرد کوبانی، نیروهای کردی در بهار ۲۰۱۵ بخش تل ابیض واقع در شمال استان الرقه را به تصرف خود در آوردند که فقط ۳۰ کیلومتر از شهر الرقه فاصله دارند. وجود مرزهای طویل در مجاورت جغرافیایی کانتون‌های خودمدیریتی دمکراتیک کردستان سوریه با شمال الرقه این امکان را برای آنها فراهم می‌سازد که دست به حملات چندبعدی و چند لایه بر علیه داعش بزنند. شهر الرقه بصورت طبیعی از هیچ سپر طبیعی در برابر حملات از سمت شمال برخوردار نیست و همین مسئله فضای بازی گسترده‌ای برای پیشروی کردها به سمت الرقه را فراهم ساخته که در حال حاضر دست بالا را در شمال این شهر دارند. وجود چنین ظرفیت بالقوه‌ای از یک سو قدرت چانه زنی مقامات پی.وای.دی در میدان سوریه را بالا برده و از

الباب سنی هستند و اقلیتی از کردهای سنی نیز در بخش‌های شرقی این شهر سکونت دارند. در بهار ۲۰۱۲ نیروهای امنیتی و پلیس دولت بشار اسد همانند سایر بخش‌های استان حلب، الباب را بدون هیچ مقاومتی تسلیم نیروهای معارضة کردند. در ژانویه ۲۰۱۴، داعش در چند روز الباب را از کنترل نیروهای معارضة خارج ساخت و تا بدین روز در این شهر تسلط کامل دارد. به لحاظ جمعیت شناختی، جمعیت شهر الباب بویژه جوانان سنی مذهب آن سمپاتی زیادی نسبت به عقاید افراطی و جهادی داعش نشان داده اند، مرور تاریخ قبل از جنگ شهر الباب نشان می‌دهد که با آغاز جنگ آمریکا علیه عراق در اوایل ۲۰۰۳، بسیاری از جوانان الباب به عراق عزیمت کرده و برای مبارزه علیه نیروهای آمریکایی در عراق اعلام جهاد کرده بودند. وجود چنین نیروهایی در شهر الباب برای داعش یک دارایی راهبردی محسوب می‌شود که عزم و عقیده‌ای جازم تر از نیروهای معارضة در شرق حلب دارند. البته با شکست‌های مکرر داعش در جرابلس و منبج، الباب اهمیت راهبردی خود را برای داعش از دست داده است و از سوی دیگر تمرکز اصلی آنها بر دفاع از حریم الرقه (پایتخت داعش) متمرکز شده است که همین مسئله از احتمال عدم مقاومت نیروهای داعشی در صورت شروع یک جنگ گسترده شهری در الباب خبر می‌دهد.

برای دولت سوریه، جغرافیای الباب از اهمیت راهبردی برخوردار است؛ شهری با ۷۰ هزار جمعیت در ۳۷ کیلومتری شمال شرق حلب. تحولات میدانی در الباب با هرگونه تحركات و درگیری‌های نظامی در شرق حلب پیوند خورده است. بعبارتی وضعیت درگیری‌های داخلی در شرق حلب به شدت بر کم و



سوی دیگر نگرانی‌های امنیتی ترکیه را دوچندان ساخته است.

اردوغان در چند سخنرانی اخیر خود اظهار داشته است که نیروهای مورد حمایت ترکیه ابتدا الباب را خواهد گرفت، سپس منبج و در نهایت الرقه را تحت کنترل ارتش آزاد در خواهد آورد. با فرض اینکه ارتش ترکیه و متحدین معارض اردوغان در کوتاه‌ترین زمان ممکن بر الباب مسلط شوند، آنها نیاز به پیشروی ۱۸۰ کیلومتری به سمت الرقه با گذار از رودخانه فرات دارند که در حال حاضر هیچ‌گونه پلی برای عبور نیروها و دسترسی به شرق فرات وجود ندارد. در اینصورت نیروهای ترکیه به احتمال زیاد به سمت سواحل جنوبی دریاچه اسد حرکت خواهند کرد؛ این بدین معنی است که ترکیه باید همه شهر الرقه را تنها با یک جاده از سمت غرب این شهر باز پس گیرد. از سوی دیگر، فرض شود که شهر الباب نیز به همان سرعتی که المنبج از کنترل داعش سقوط کرد (دو ماه)، توسط نیروهای ترکیه باز پس گرفته شود و نیروهای مورد حمایت ترکیه براساس آنچه از جرابلس به دو کیلومتری شمال الباب پیشروی کرده‌اند (تقریباً ماهانه ۱۵ کیلومتر؛ براساس ۳۰ کیلومتری که در دوماه گذشته از مرزهای خود تا الباب داشته است)، پیشروی نسبی به سمت الرقه داشته باشند، این حرکت نیازمند ۱۲ ماه زمان برای پوشش ۱۸۰ کیلومتری تا الرقه می‌باشد آن هم در صورتی که بازیگران دیگر در میدان سوریه را خنثی در نظر بگیریم.

گزینه دیگر برای ترکیه حمله به الرقه از سمت مرزهای شهر تل ابیض است که ۱۰۰ کیلومتر با شمال الرقه فاصله دارد؛ این مسیر به نیروهای ترکیه اجازه می‌دهد تا در نبود هرگونه موانع طبیعی (چالش

عبور از رودخانه فرات)، سرزمین‌های خالی از سکنه ای که امکان پیشروی سریع را فراهم می‌سازد، و همچنین استفاده از مسیرهای ورودی متنوع، پیشروی قابل ملاحظه‌ای به سمت شمال شهر الرقه داشته باشند. اما قبل از اینکه ترکیه و متحدین معارض آن وارد رویارویی مستقیم با داعش شوند، با مقاومت نیروهای کردی زخمی از سیاست‌های تهاجمی ترکیه مواجه خواهند شد. بعبارتی دیگر، کردها به خوبی می‌دانند که تل ابیض پاشنه آشیل آنهاست. کردهای پی‌وای.دی به منظور تداوم سرزمینی کانتون‌های کردی در بهار ۲۰۱۵ داعش را از این شهر خارج ساختند، سقوط تل ابیض در چنین شرایطی به معنای پارگی و شکاف سرزمینی در کانتون‌های کردی شمال سوریه است که در مجموع کردستان غربی (رژووا) را شکل می‌دهند. در حال حاضر، خود شهر تل ابیض و مناطق پیرامونی آن قریب به اتفاق عرب هستند؛ به این معنا که هیچ ضمانتی به وفاداری جمعیتی در این شهر نسبت به کردها وجود ندارد. علاوه بر این، قبایل عرب بومی در این شهر که بعد از تسلط کردها بر آن به سمت مرزهای ترکیه پناهنده شده‌اند، تمايل زیادی برای بازگشت به سرزمین‌های خود نشان می‌دهند (توسط ترکیه توجیه و تجهیز شده‌اند). جان کلام اینکه، ترکیه نگاه‌ها را به الرقه متوجه کرده اما مقصود تل ابیض است.

حتی اگر اتاق فکر اردوغان هیچ تصمیم و نیت جدی برای پیشروی به سمت الرقه نداشته باشند، سناریوی حداقلی این است که آنها به بهانه این هدف اعلامی می‌توانند با حمایت عرب‌های سنی مورد حمایت خود، تل ابیض و الباب را به کنترل و نفوذ خود در آوردند. با این راهبرد میدانی، ترکیه می‌تواند

عقیده برخی از تحلیل‌گران، مسکو با وارد ساختن ترکیه به مناطق تحت نفوذ خود در میدان الباب و دور ساختن این کشور از راهبردهای نیروهای ائتلاف بین‌المللی، کودتایی را بر ورود ناتو به بحران سوریه طراحی کرده است.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر، روسیه ممانعتی در برابر ورود ترکیه به الباب از خود نشان نداده است. طی دیدارهای مختلف مقامات روسیه و ترکیه در آنکارا و مسکو، بویژه سفر نخست‌وزیر یلدریم (۱ دسامبر ۲۰۱۶) به این کشور، گفتمان سیاست خارجی ترکیه در روسیه همزمان با تحولات میدانی به نفع دولت بشار اسد تغییر کرده است؛ بنظر می‌رسد که روسیه موجودیت سیاسی دولت بشار اسد را به دولت ترکیه قبولانده است. بنالی یلدریم در سفر خود به مسکو اظهار داشت که؛ "مداخله ترکیه در سوریه در چارچوب عملیات "سپر فرات" به هدف تغییر نظام سوریه نیست و ارتباطی با اوضاع حلب ندارد"<sup>۲</sup>؛ همچنین اردوغان برای اولین بار بعد از چهار سال که هدف اصلی خود را ساقط کردن رژیم بشار اسد تعریف کرده بود، گفت: "هدف ما در سوریه بر علیه شخص یا کشور خاصی نیست، بلکه ما به دنبال حذف تروریست‌ها در این کشور هستیم"<sup>۳</sup>. اما در مقابل این تغییر موضع اساسی از سوی آنکارا، نشانه‌هایی مبنی بر چراغ سبز مشروط از سوی روسیه برای ورود ترکیه به الباب وجود دارد. خبرگزاری اسپوتنیک روسیه در ۹ دسامبر از قریب الوقوع بودن بازپس

از یک سو در سرزمین‌های کردی شمال سوریه شکاف ایجاد نماید؛ بافت جمعیتی این مناطق را به نفع عرب‌ها تغییر دهد و از طرف دیگر، تحقق رویای نیروهای کردی برای گسترش مرزهای رژووا در امتداد شمال سوریه را به تعویق بیندازد. در این سناریو، آمریکا با از دست دادن مهمترین متحد استراتژیک خود، بیشترین هزینه را در سوریه متحمل خواهد شد. و البته که تحقق چنین سناریویی شروع ماجراجویی‌های جدید اردوغان هم در داخل و هم در محیط همسایگی جنوبی این کشور خواهد بود.

به هر روی، دلایل و فکت‌های قانع‌کننده‌ای در رابطه با احتمال تمرکز جدی ترکیه یا کردهای پی‌وای‌دی بر بازپس گرفتن الرقه وجود ندارد. اما احتمال درگیری دو طرف بویژه در سرزمین‌های شمالی سوریه وجود دارد که در راستای آن ترکیه درحال مذاکرات جدی با روسیه، افراد نزدیک به دولت جدید آمریکا و حتی با دولت بشار اسد می‌باشد.

### بازی دو وجهی روسیه

روسیه از سوی دیگر تمایل زیادی به پیشروی میدانی به سمت سرزمین‌های شرق فرات و همچنین شهر الباب نشان نداده و با درنظر گرفتن فضای عمل نیروهای کردی و ترکیه در جغرافیای الباب، یک بازی دو وجهی شروع کرده است. از یک سو، روسیه به کردهای پی‌وای‌دی اجازه پیشروی به سمت الباب را داده است که به لحاظ میدانی نیروهای کردی بین نیروهای نظامی ترکیه و نیروهای بشار اسد قرار گرفته‌اند. این پیشروی، نیروهای کردهای پی‌وای‌دی را قادر می‌سازد که یک منطقه حائل بین نیروهای ترکیه و ارتش سوریه ایجاد کنند؛ که به

1. <http://www.al-monitor.com/pulse/tr/contents/articles/originals/2016/12/turkey-syria-increasing-risk-for-turkish-soldiers-al-bab.html>

2. <http://www.hurriyet.com.tr/basbakan-yildirim-rusyada-fetoyu-anlatti-40300284>

3. <http://www.milliyet.com.tr/cumhurbaskani-erdogan-size-siyaset-2360586/>

گیری الباب توسط نیروهای ارتش آزاد با حمایت ترکیه خبر داده است.<sup>۴</sup> اما کشته شدن چهار سرباز ترک در شمال الباب توسط جنگنده های ارتش سوریه درست در همان روزی که خلبان روسی در کوههای بایربوجاک بدست نیروهای ترک کشته شده بود (۲۴ نوامبر)، تردیدها و نگرانی ترکیه از نیات روسیه در همکاری با این کشور در میدان سوریه را افزایش داده است.

### وضعیت موجود؛ نگاه به آینده

بنظر می رسد که عملیات سپر فرات به نقطه ای رسیده است که تداوم آن با مقاومت تمامی بازیگران درگیر در سوریه مواجه شده است؛ نقطه ای که پیشروی ارتش آزاد را با محدودیت های میدانی و سیاسی جدی روبرو ساخته است. اما ترک‌ها در شرایط فعلی بخوبی می دانند که همکاری با روسیه، ایران، و دولت بشار برای استحکام تمامیت ارضی سوریه بهترین گزینه برای بلوکه کردن پیشروی میدانی و موجودیت سیاسی کردها است. اما سوال اساسی دیگر برای ترکیه، چگونگی مسامحه با دولت بشار اسد بعد از باز-تحکیم قدرت در این کشور است. پرواضح است که سیاست ترکیه در جلوگیری از پیشروی سرزمینی کردها در امتداد مرزهای سوریه و ترکیه کاملاً در راستای تقویت موقعیت سیاسی و میدانی دولت بشار اسد گام بر می دارد؛ تحولات نشان می دهد که ترکیه در این نقطه حتی به عنوان نیروی محرکه دولت اسد برای بازپس گیری کنترل سرزمین های شرقی سوریه عمل می کند.

تحولات میدانی و سیاسی بحران سوریه و چالش‌های امنیتی کردهای شمال این کشور، به شدت از سوی افکار عمومی و منابع داخلی ترکیه پیگیری می شود؛ بویژه بعد از وقوع ۷ عملیات تروریستی در شهرهای مختلف ترکیه و کشته شدن بیش از ۲۷۵ تن در سال اخیر، کامیابی سیاسی در سوریه از سوی دولت‌مردان ترکیه به یک پرستیژ ملی تبدیل شده است. اردوغان در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری برای ورود به الباب ولع نشان می دهد، با همه بازیگران تاثیرگذار در حال مذاکره است و البته که بخشی از این تحرکات خارجی به دلیل نشان دادن اقتدار شخصی برای تغییر قانون اساسی و تبدیل نظام پارلمانی به ریاستی در چند ماه آینده است. اما فرض اینکه ترکیه با ورود به الباب و حتی ایجاد شکاف سرزمینی در کانتون‌های کردی توسط نیروهای سنی و تقلیل چالش امنیت ملی از سوی جدایی طلبان کرد، به پایان مداخله خود در سوریه رضایت خواهد داد، فرض بعیدی است. رفتارهای پنج سال اخیر ترکیه در بحران سوریه نشان داده است که اردوغان هرچند در برهه ای و تحت شرایطی بطور تاکتیکی تغییر موضع داده است اما جغرافیای سوریه در اصل عمق راهبردی ترکیه برای ورود به معادلات جهان اسلام محسوب می شود.

با عنایت به پیشروی های میدانی در جنگ شهری حلب، بنظر می رسد که دولت بشار اسد و متحدین آن از قابلیت های مادی مکفی برای شروع حمله و پیشروی به سمت الباب برخوردارند. موفقیت در آزادسازی حلب توسط ارتش سوریه می تواند نیروهای نظامی زیادی از ارتش بشار اسد که در محاصره حلب درگیر بودند را برای چنین پیشروی به سمت الباب مهیا سازد. اگر ارتش سوریه و نیروهای

4. <https://tr.sputniknews.com/ortadogu/201612091026234355-oso-ve-turk-askeri-el-bab-girdi-catismalar-yasaniyor/>

متحد شیعه دولت اسد از قدرت کافی برای بازپس گیری الباب برخوردار نیستند، شاید منافع کوتاه مدت اسد و پوتین در راستایی باشد که به کردهای پی. وای. دی اجازه ورود و کنترل الباب را بدهند یا حتی در صورت ضرورت از پیشروی آنها حمایت بعمل آورند. این سناریو، آمریکا را با دو آلترناتیو مهم مواجه می‌سازد؛ حمایت از نیروهای کردی در پیشروی به سوی شهر الباب و پذیرش مخاطرات بیگانه سازی ترکیه از نیروهای ائتلاف بین المللی؛ و یا حمایت همه جانبه از نیروهای معارضة تحت حمایت ترکیه برای تسریع در بازپس گیری و تسلط کامل بر الباب بعد از بیرون راندن داعش که این آلترناتیو نیز هزینه هایی برای آمریکا از جمله بی اعتمادی متحدین کردی به رفتارهای واشنگتن در میدان سوریه به همراه خواهد داشت. به هر روی، برای جمهوری اسلامی ایران، حمایت از ارتش سوریه با همکاری روسیه برای بازپس گیری الباب می‌تواند از یک سو هزینه های احتمالی آینده در رقابت و تنش با ترکیه را کاهش دهد و از طرف دیگر اقتدار سرزمینی دولت اسد را افزایش دهد. از سوی دیگر، ورود ترکیه به الرقه به معنای حضور و پذیرش اراده سیاسی این کشور در آینده تحولات عراق نیز است. در چنین شرایطی که مواضع رسمی ما در سازگاری کامل با اولویت های سیاسی دولت های مرکزی در عراق و سوریه است، ورود هرگونه رقیب منطقه ای به مناطق نفوذ ایران در کانون های بحران و فرسایشی شدن درگیرهای نظامی به هیچ وجه منطبق با ترجیحات سیاسی- امنیتی کشور نیست.

